

بخش دوم

پونديهوديان

با فرهنگ ايران زمين



پروفسور امنون نتصر در این
بخش از گفت و گوها به
بیان پیشینه تاریخی یهودیان
ایران و سهم فرهنگی آنان
در این سرزمین می پردازد

گفت و گوی بیست و سوم

یهودیان در ایران آثار شاعران بزرگ ایرانی را به خط عبری در آوردند



نقش سروده های شاعران، درهای خانه را نیز زینت می داد

پرسش - شما پیشتر گفتید که یهودیان نه تنها خود شاعرانی داشته اند که آثار جالبی از خویش به جای گذاشته اند، بلکه اشعار شعرای بزرگ ایران را نیز به خط عبری بازنویسی می کردند و در شنبه ها و اعیاد دور هم جمع می شدند و آن ها را می خواندند.

پاسخ - بله، ظاهراً عجیب می نماید که سروده های یک شاعر ایرانی را به یک خط غریبه بازنویسی کنند و آن را بخوانند. البته منظورم آن است که این امر به نظر آنانی عجیب می رسد که با فرهنگ یهودیان و خط و زبان عبری آشنائی ندارند.

در بسیاری از آرشیوهای جهان و از جمله آرشیو کتابخانه دانشگاه عبری اورشلیم دیوان حافظ را به خط عبری می توانیم مشاهده کنیم. همچنین در آرشیو موسسه پژوهشی بن صبی در اورشلیم نیز چنین کتاب هائی نگاهداری می شود. در لندن و وین و نیویورک و چند شهر دیگر نیز این نوع کتاب ها وجود دارد.

پاره ای از داستان های شاهنامه را هم که به خط عبری نگاشته شده می توان در برخی کتابخانه ها یافت. من خود در جستجوها، هنوز متن کامل شاهنامه را به خط عبری پیدا نکرده ام؛ ولی بسیاری از فصول شاهنامه را دیده ام که به خط عبری نگارش شده است. احتمالاً این همان فصل هائی بوده که یهودیان ایران دوست داشته اند آن ها را بخوانند. زال و رودابه و داستان رستم و سهراب و امثال آن ها را می توان به خط عبری نیز یافت.

پرسش - این دست نوشته ها در چه قرونی نگارش شده اند؟

پاسخ - اگر این نوشتارهای خطی دارای تاریخ نگارش باشد، دانستن آن بسیار آسان است. ولی در برخی از آن ها به تاریخ نگارش اشاره ای نشده است. با این همه برای آن که پاسخی به پرسش شما داده شود، می توانم به طور کلی بگویم که بسیاری از این ها پس از دوران مغول نگاشته شده است، زیرا در مورد دوران پیش از مغول دست نویس های زیادی پیدا نکرده ایم که به زبان فارسی، ولی به خط عبری نگاشته شده باشد که ما در اصطلاح پژوهشی آن را "فارسیهود" (فارسی یهودی) می نامیم.

شاید یکی از علل نادر بودن کتاب های فارسیهود که به پیش از حمله مغول مربوط می شود آن باشد که در حمله مغول، بسیاری از این دست نویس ها از میان رفته و مفقود شده است.

پرسش - در این رابطه یک پرسش دیگر دارم و آن این که چرا یهودی ایرانی باید اشعار شاعران وطن خویش را به خط عبری بخوانند؟

پاسخ - ارزیابی من آن است که یهودیان برای یک مدت نسبتاً طولانی با خط فارسی که در واقع خط عربی است آشنائی نداشته اند. این واقعیت به یهودیان ایران اختصاص ندارد، بلکه یهودیان در بسیاری از کشورهای جهان ترجیح میداده اند که به خط عبری بنویسند و بخوانند. در اروپای شرقی و آلمان و اسپانیا و در کشورهای عربی و سرزمین های دیگر، یهودیان مطالبی را که به زبان محل سکونت آنان بوده (مثلاً عربی یا آلمانی یا اسپانیائی) به همان زبان، ولی به خط عبری می نگاشته اند.

ممکن است که خط عبری برای یهودیان نوعی تقدس و ویژگی داشته است. یک علت دیگر هم ممکن است آن باشد که یهودیان به اندازه کافی در فرهنگ محلی تحلیل نرفته بودند. در واقع باید پرسید که در وضع اجتماعی دوران خودشان، که ناچار بودند جدا از دیگران زندگی کنند، چگونه آن ها فرصت و امکان داشتند که بروند و خط فارسی یاد بگیرند؟ از چه کسی می توانستند آن را یاد بگیرند؟ برای یاد گرفتن خط فارسی، آن ها لازم بود که به مکتب می رفتند، زیرا در آن دوره، کلاس ها به صورت امروزی دولتی نبود و رایج نبود و همه همه کس را راه نمی دادند و جوامع یهودی داخل خود زندگی می کردند.

پرسش - از نظر جامعه شناسی و دیدگاه تاریخی شما، خواستم بپرسم که آیا علت این سخن آن است که یهودیان نمی خواستند با فرهنگ عمومی زادگاه خویش آمیخته گردند و آن را بپذیرند، و یا به عکس مردم آن زمان به یهودیان امکان نمی دادند که در آن فرهنگ تحلیل بروند؟

پاسخ - من تصور نمی‌کنم که مردمان سرزمین‌های مختلف جلوگیری می‌کرده‌اند از این که یهودیان هم بیایند و خط محلی را یاد بگیرند. شاید دلیل آن بوده که سران جامعه یهودی نمی‌خواستند که یهودیان کاملاً با فرهنگ محلی آمیخته شوند. به عنوان مثال من در نوشته‌های فیلسوف یهودی ایرانی به نام ربی یهودا بن العازار خوانده‌ام که بارها پوزش می‌طلبید از این که در نوشتارهای فلسفی خود به پاره‌ای از کتاب‌های استناد می‌کند که یهودی نیستند.

در حاشیه این جریان می‌خواهم بگویم که همین ربی یهودا بن العازار حتماً و بدون هیچ تردیدی با خط فارسی آشنائی داشت. توضیح بیشتر درباره این مطلب را به فرصت دیگری می‌گذاریم، ولی در مجموع، جامعه یهودی ایران، فرض بفرمائید آن همه شش هزار نفر یا بیست هزار نفری که در اصفهان می‌زیستند، خط فارسی نمی‌دانستند. شاید تعداد کمی با این خط آشنائی داشتند، به ویژه حکیمان یهودی که به کار طب و درمان می‌پرداختند. آن‌ها می‌بایست بسیاری از کتب پزشکی را به خط فارسی بخوانند - ولی حتی شمار زیادی از کتاب‌های پزشکی نیز توسط یهودیان به خط عبری نگارش شد.

در هر حال، علت‌ها متعدد و متنوع بوده است. آن‌ها نمی‌خواستند که در یک جامعه غیریهودی به طور کامل حل شوند - ولی منظورم از "غیریهودی" از نظر مذهبی است و نمی‌خواهم بگویم ایرانی. زیرا از نظر فرهنگی هم بین یک ایرانی سکولار و یک ایرانی مذهبی مثلاً زرتشتی یا مسلمان فرق‌هایی وجود دارد.

یهودیان از نظر فرهنگی اشکال نمی‌دیدند که به فرهنگ غیر یهودی و به فرهنگ بومی نزدیک شوند و قاطعانه می‌توان گفت که یهودیان از دوران بسیار قدیم از نظر فرهنگی در بین ایرانیان حل شدند و غرور ملی ایرانی نیز داشتند. ولی از نظر مذهبی، از غیریهودی پرهیز می‌کردند و می‌خواستند یهودیت را آن‌گونه که شاید و باید نگاه دارند.

باز می‌گردم به این نکته که آثار زیادی از ادبیات و فرهنگ ایرانی را که به خط عبری نوشته شده می‌توانیم در شماری از کتابخانه‌های بزرگ جهان بیابیم.

پرسش - آیا وجود این دست‌نویس‌های عبری از شاهکارهای ادب ایران، می‌تواند به تصحیح متون آثار ادب ایرانی که هزاران بار رونویسی شده و ممکن است دچار تغییرات ناخواسته‌ای شده باشد کمک کند؟

پاسخ - این پرسش فاضلانه‌ای است. بدون شک پاسخ پرسش شما مثبت است. ابتدا می‌خواهم از یک دانشمند آلمانی-فرانسوی پل دو لاگارد Paul de Lagarde نقل قول کنم که در سال ۱۸۶۰ در یکی از نوشتارهای خود در مورد تحقیقات ایران‌شناسی، تاکید می‌کند که وجود متون عبری می‌تواند به یافتن نسخه‌های درست برخی آثار ادبی ایرانی کمک کند. اجازه بدهید که گفته‌های او را عیناً نقل کنم: «به هیچ وجه کسی نمی‌تواند ادعا کند که یک ایران‌شناس به تمام معنی است، اگر با نسخه‌های خطی فارسی‌یهود آشنائی لازم را نداشته باشد - چون در خط عبری بیش از ده اعراب وجود دارد». (نقل به مضمون)

علاوه بر این، اگر ما بتوانیم تشخیص دهیم که نسخه‌های فارسی به خط عبری در کجاها نگاشته شده، فرض کنید جمله‌ای را می‌گیرید که در میمنه و یا فرض کنید در جام نوشته

شده یا خوارزم یا بوشهر. ما ویژگی های لغوی این واژه را نمی دانیم چیست. همین سخنانی را که من اکنون می گویم، اگر روی کاغذ بیاوروم، فارسی است ولی لهجه آن را نمی توان تشخیص داد. ولی پاره ای از یهودیان هنگام بازنویسی متون فارسی به خط عبری، از اعرابی استفاده کرده اند که شیوه تلفظ آن واژه را در آن نقطه جغرافیائی که آن متن به خط عبری در آن جا نگاشته شده مشخص می سازد. یعنی، نشان می دهد که ایرانیان در آن نقطه، آن واژه را چگونه تلفظ می کرده اند.

جا دارد در این فرصت نکته ای را که می خواستم بعدا بگویم بیان کنم و آن این که شماری از واژه نامه های بسیار با ارزش ایرانی توسط یهودیان نوشته شده است. شمار این لغت نامه ها به طور نسبی زیاد است و علت هم آن است که یهودیان می خواستند از مطالبی که در کتاب مقدس آن ها به زبان عبری نگاشته شده آگاهی یابند - زیرا در آن دوران برگردان فارسی تورات وجود نداشت.

صحیفه های پنج گانه تورات و همچنین دیگر رساله هائی که در مجموع کتاب مقدس یهود را تشکیل می دهند، همگی به زبان عبری نگاشته شده اند. نیاز به لغت نامه هائی بود که به یهودیان کمک کند این متون را بفهمند.

گفتم شمار واژه نامه ها زیاد است، ولی از میان دو فرهنگ لغت که خارجیان نیز به اهمیت آن پی برده اند، یکی "سفر هملیتصا" (ספר המליצה Sefer Hamelitsa) است که می توان آن را "کتاب البدیع" ترجمه کرد. این واژه نامه در پایان دوران ایلیخانیان در خوارزم تدوین شده است. کتاب قطوری است که تصور می کنم چهارصد برگ داشته باشد و با خرسندی می توانم بگویم که من در تلاش های پژوهشی خود توانستم یک نسخه تقریبا کامل این کتاب را پیدا کنم که جا دارد لغت شناسان در رشته ایران شناسی روی آن کار کنند، زیرا شماری از واژه هائی که در آن آمده به زبان خوارزمی محلی است.

پرسش - توضیح بفرمائید که این کتاب فرهنگ فارسی به عبری و یا عبری به فارسی است.

پاسخ - بیشتر فرهنگ هائی که یافته ایم عبری به فارسی است، زیرا آن ها می خواستند با کمک این لغت نامه ها زبان عبری را یاد بگیرند، چون فارسی را می دانستند. هدفشان آن بود که با آموزش زبان عبری بتوانند هنگامی که تورات و یا نیایش های عبری را می خوانند، مفهوم آن را درک کنند.

در مورد لغت نامه "کتاب البدیع" که پیشتر به آن اشاره کردم، جا دارد بگویم که پروفیسور ویلهلم باخر (Wilhelm Bacher) که اهل مجارستان بود و در سال ۱۹۱۳ در بوداپست چشم از جهان فرو بست، و در مورد یهودیان ایران تحقیقات زبان شناسی بسیاری از خود باقی گذاشته است، مقداری روی این فرهنگ نامه کار کرده و جای دارد که پژوهشگران دیگری بلند شوند و برای ادامه این کار وقت بگذارند.

شاید لازم باشد ده سالی روی این موضوع کار شود تا احتمالاً بتوان بسیاری از پیچیدگی‌های برخی واژه‌های زبان فارسی را که شاید تا به امروز بر همه مکشوف نیست، به وسیله همین لغت نامه حل کرد.

واژه نامه دومی در اختیار داریم که در شیروان نگاشته شده و اگرون (Agron | אגרון) نامیده می‌شود که به معنی "مجموعه واژه‌ها" است. این لغت نامه تقریباً صد و پنجاه سال پس از "کتاب البدیع" نگارش شده است. این هم کتابی پراهمیت است که جا دارد در مورد آن به اندازه کافی پژوهش انجام گیرد. روی این کتاب در گذشته توسط پژوهشگران اروپائی تحقیقاتی شده، ولی جای دارد که پژوهش‌ها جامع‌تری صورت گیرد؛ به ویژه آن که گفتیم این کتاب در شیروان نگاشته شده که در آن جا نیز مردمان لهجه خاص خویش را داشته‌اند.

پرسش - سخن پیشین خود را دوباره مطرح می‌کنم و آن این که آیا این متن‌های به عبری نوشته شده آثار شاعران ایران، که همگی دارای قدمت چند صد ساله است می‌تواند کمک کند که بتوان آثار شاعران ایرانی را با متونی که امروز در اختیار داریم مقایسه کنیم و حتی به تصحیح آن متون پردازیم؟

پاسخ - بی تردید می‌تواند بسیار مفید باشد، به این علت که نسخه‌های عبری در قدیم نگارش شده و باور من آن است که در نسخه برداری از اشعار فارسی دقت بسیار زیادی به کار رفته و اگر واژه‌هائی شناخته نشده و یا اگر ناسخ تصور می‌کرده که این واژه چندان شناخته شده نیست، روی این کلمه اعراب گذاشته و یا توضیحاتی داده که می‌تواند در تنقیح و تصحیح شاهنامه و یا کتاب حافظ و یا گلستان و بوستان سعدی در نسخه‌هائی که ما امروز در اختیار داریم مؤثر باشد.

بر اساس یافته‌های پژوهشی من و آن چه که از شاعران ایرانی به یاد دارم و یادداشت کرده‌ام که به آگاهی شما برسانم، برگردان هائی به خط عبری از آثار ابن یمین و از سعدی شیرازی و بابا طاهر عریان و لیلی و مجنون و یوسف و زلیخای جامی و دیگران در اختیار داریم. این نکته را نیز بگویم که صفحاتی از اشعار یوسف و زلیخای سروده جامی به خط عبری، با مینیاتورها بسیار زیبا در موزه بزرگ اسرائیل در همین شهر اورشلیم نگاهداری می‌شود و برخی دیگر نیز در موزه هنرهای اسلامی، آن هم در اورشلیم محفوظ است.

ببینید مثلاً اشعار شاه نعمت‌الله ولی کرمانی، صائب تبریزی، عبید زاکانی، و حتی منطق الطیر عطار را می‌توان به خط عبری یافت. فغانی و مغربی و مولوی هم اشعار زیادی از آن‌ها به خط عبری برگردانیده شده است. همچنین رساله فییه و مافییه که مولوی آن را به نثر نگاشته است به خط عبری رونویسی شده است. از آثار نظامی ما هفت پیکر را داریم و همچنین خسرو و شیرین را داریم و بسیاری دیگر از آثار شاعران ایرانی که با تار و پود فرهنگ یهودیان ایران زمین آمیخته شده‌اند.